

A Thematic Analysis of the Animals Allegory in Parvin E'tesami Poems

Masume Boostani¹, Hamidreza Farsi^{2*}, Ebrahim Poordarhgahi³

Abstract

Allegory is one of the methods and means of expression which is used by the poets and writers to explain their desired topics and concepts and to better induce the content to the readers. One of these poets is Parvin E'tesami, who used allegory to explain her teachings so that it can be said that allegory is the most important expressive tool used by Parvin E'tesami. In this article, the allegory of animals in Parvin's poems has been analyzed thematically. It is conducted by a descriptive and analytical method with a library research method. The authors assumed that Parvin used the allegory of animals in her pieces. Based on the mentioned hypothesis and with the content analysis, the poems are explained based on the topic, role and place of animals in Parvin's educational teachings. Out of Parvin's 90 pieces, 21 pieces are quoted by the animals, and almost all of them are in the form of dialogues. Among 15 pieces, both sides of the conversation are animals in which one piece is in the form of a monologue, and in 5 pieces, one side is an animal and the other side includes other elements. The results indicate that all these pieces have a confrontational structure and each of the heroes is in favor of a topic which is in contrast with the other. Parvin's allegorical method of some animals can be seen in the history of Persian literature, but, regardless of the animal's allegorical history, in some cases Parvin used a new treatment.

Key words: Allegory, Animals, Pieces, Parvin E'tesami, Thematic Analysis.

1-PhD Student, Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. masumebustani@gmail.com

2- Associate Professor, Persian Language and Literature Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. farzi@iaut.ac.ir

3-Assistant Professor, Persian Language and Literature Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. e.poordargahi@yahoo.com

Please cite this article as (APA): Boostani, Masume, Farsi, Hamidreza, Poordarhgahi, Ebrahim. (2025). A Thematic Analysis of the Animals Allegory in Parvin E'tesami Poems. *Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature*, 17(64), 93-118.



Creative Commons: CC BY-SA 4.0



Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 64/ Summer 2025

Receive Date: 29-11-2023

Accept Date: 19-09-2024

First Publish Date: 23-08-2025

مقاله پژوهشی: تحلیل موضوعی تمثیل حیوانات در قطعات پروین اعتصامی

معصومه بوستانی^۱، حمیدرضا فرضی^{۲*}، ابراهیم پوردرگاهی^۳

چکیده

تمثیل یکی از شیوه‌ها و ابزار بیان مطلب است که شعرا و نویسندگان برای تبیین موضوعات و مفاهیم مورد نظر خود برای القای بهتر مطالب به مخاطب از آن بهره می‌گیرند؛ یکی از این افراد، پروین اعتصامی است که از تمثیل برای تبیین تعالیم خود بسیار بهره گرفته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت تمثیل مهم‌ترین ابزار بیانی پروین اعتصامی است. در این مقاله تمثیل حیوانات در قطعات پروین به صورت موضوعی تحلیل شده است. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و از لحاظ فضای انجام کار کتابخانه‌ای است. فرض نگارندگان بر این بوده که پروین در قطعات خود از تمثیل حیوانات بهره گرفته است. مبتنی بر ایده مذکور و با تحلیل محتوایی قطعات براساس موضوع، نقش و جایگاه حیوانات در تبیین تعالیم تربیتی پروین اثبات شده است. از میان ۹۰ قطعه پروین، ۲۱ قطعه از زبان حیوانات نقل شده است که تقریباً همگی به صورت گفتگو و مناظره هستند. در ۱۵ قطعه هر دو طرف گفتگو از حیوانات هستند. یک قطعه به صورت گفتگوی درونی و تکی است و در ۵ قطعه نیز یک طرف حیوان است و طرف دوم از سایر عناصر. نتیجه بحث حاکی از این است که در همه این قطعات با حالت تقابلی مواجه هستیم و هریک از قهرمانان طرفدار موضوعی هستند در تقابل دیگری و مخالف با آن. تلقی تمثیلی پروین در مورد برخی حیوانات، در ادبیات فارسی سابقه دارد اما در مواردی هم پروین تلقی جدیدی دارد بدون توجه به سابقه تمثیلی آن حیوان.

کلمات کلیدی: تمثیل، حیوانات، قطعات، پروین اعتصامی، تحلیل موضوعی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران masumebustani@gmail.com

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران farzi@iaut.ac.ir

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران e.poordargahi@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید: بوستانی، معصومه، فرضی، حمیدرضا، پوردرگاهی، ابراهیم. (۱۴۰۴). تحلیل موضوعی تمثیل حیوانات در قطعات پروین اعتصامی. تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. (۱۷(۶۴)، ۹۳-۱۱۸.



حق مؤلف © نویسندگان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره شصت و چهارم / تابستان ۱۴۰۴ / از صفحه ۹۳-۱۱۸.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۹

تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

۱- مقدمه

تمثیل یکی از شیوه‌ها و ابزار بیان مطلب است که شعرا و نویسندگان برای تبیین موضوعات و مفاهیم مورد نظر خود برای القای بهتر مطالب به مخاطب از آن بهره می‌گیرند؛ چرا که بوسیله تمثیل مفاهیم ذهنی و عقلی با مثال‌های ملموس و عینی که مابزای آن مفاهیم در عالم خارج هستند به زبان ساده و قابل فهم برای مخاطب توضیح داده می‌شود و هم‌چنین باعث تأثیر بیشتر و عمیق‌تر مطلب می‌شود. در ادبیات فارسی، شعرا و نویسندگان از آغاز تا امروز، از تمثیل به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر بیان مطلب، برای تبیین مفاهیم و تفهیم آن برای مخاطبان استفاده کرده‌اند؛ در کتاب‌های بلاغت نیز تمثیل یکی از موضوعاتی است که در زیرمجموعه تشبیه و استعاره - از گذشته تا امروز - مورد توجه دانشمندان علم بلاغت قرار گرفته است.

در میان شعرا و نویسندگان، پروین اعتصامی کسی است که از «تمثیل» برای تبیین تعالیم خود بسیار بهره گرفته است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت تمثیل مهم‌ترین ابزار بیانی پروین اعتصامی است؛ او در همه قالب‌های شعری‌اش از تمثیل استفاده کرده است در این میان استفاده از تمثیل در قطعات او پررنگ‌تر است؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت اکثر قریب به اتفاق قطعات او، تمثیلی هستند. تمثیل از لحاظ ساختاری به انواع مختلفی قابل تقسیم‌بندی است؛ از قبیل تشبیه تمثیلی، استعاره تمثیلی، تمثیل نیمه فشرده، شرط تعلیق به محال، اسلوب معادله یا مدعا مثل، حکایت و داستان تمثیلی. از میان این تمثیل‌ها، آنچه که در آثار پروین مورد توجه قرار گرفته حکایت و داستان تمثیلی است؛ این حکایت‌ها نیز دو گونه هستند؛ حکایاتی که قهرمانان آن‌ها انسان‌ها هستند و حکایاتی که قهرمانان آن‌ها غیرانسانی هستند؛ از قبیل حیوانات، گل‌ها و گیاهان، اشیاء، خوردنی‌ها و ... و ما در این مقاله، تمثیل‌هایی که قهرمانان آن‌ها حیوانات هستند در قطعات پروین اعتصامی بررسی می‌کنیم. مسأله و پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که تمثیل حیوانات به کار رفته در قطعات پروین اعتصامی کدامند و معنا و مفهوم آن‌ها چیست؟ هدف از انجام این پژوهش، استخراج تمثیل‌های حیوانات در قطعات پروین و تحلیل موضوعی آن‌هاست.

۲- پیشینه تحقیق

تا به حال مطالعات و تحقیقات ارزشمندی درباره تمثیل در شعر پروین اعتصامی صورت گرفته است؛ ابراهیمی (۱۳۹۳) تمثیل‌های شعر پروین اعتصامی را بررسی و نقد کرده است؛ به اعتقاد این نویسنده، پروین جهان‌اندیشگی خود را در شکل و شمایل تمثیل‌های نمادین جلوه داده است. او در این

تمثیل‌ها اساسی‌ترین پرسش‌های انسان را مطرح کرده و در هریک از آنها به دنبال پاسخی در خور، اجتماع را به نقد کشیده است. رضوانیان و محمودی‌نوسر (۱۳۹۲) زیبایی‌شناسی تمثیلی را در شعر پروین اعتصامی بررسی کرده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که پروین تحت تأثیر گفتمان رایج عصر خویش، با بازآفرینی تمثیل به عنوان یکی از ظرفیت‌های ساختار روایی در اشعارش، آگاهانه باغ استفاده از شکل‌های مختلف این شیوه روایی، از احتناق و فشار حاکم بر عصر رضاشاهی می‌گریزد. حاجی رحیمی و عرب (۱۳۹۸)، تمثیل با رویکرد فابل را در اشعار پروین اعتصامی و ایلیا ابوماضی به صورت تطبیقی بررسی کرده‌اند و آموزش اخلاقی، ژرف نگری‌های اجتماعی، ملاحظات اجتماعی و بزرگداشت مکارم اخلاق را از امتیازات مهم شعر تمثیلی پروین اعتصامی دانسته‌اند. مهاجری امیرکلایی (۱۳۹۲) تمثیل را در اشعار پروین اعتصامی و بهار بررسی کرده است؛ او به صورت گزینشی تمثیل‌های برجسته دو شاعر را انتخاب کرده و از دیدگاه مضمون طبقه‌بندی کرده و سپس به ساختار داستانی تمثیلات پرداخته و عناصر داستانی آنها را به صورت خلاصه بیان کرده است. اما تا آنجا که ما بررسی کردیم به صورت اختصاصی درباره تمثیل حیوانات در قطعات پروین اعتصامی کاری صورت نگرفته است و اهمیت موضوع و ضرورت انجام آن ما را واداشت که این موضوع (تمثیل‌های حیوانات) را در قطعات این شاعر بزرگ معاصر انجام دهیم.

۳- روش تحقیق

با توجه به نوع تحقیق یعنی کیفی بودن آن، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و از نظر فضای انجام کار، مطالعه منابع و گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است؛ با این توضیح که نگارنده با تکیه بر قدرت استنباط و تحلیل خود و براساس فهم و درک متن به گردآوری داده‌ها پرداخته و با مطالعه متن و تأمل در اثر ادبی، موارد مطابق با اهداف و سؤالات تحقیق را از درون آن استخراج کرده است و بویژه با تفسیر تمثیلی و براساس لایه بیرونی (روساخت) و تأمل در آن، لایه درونی (زیرساخت) را تحلیل کرده و معنای پنهان و نکات اخلاقی و تربیتی تمثیل‌ها را توضیح داده است.

۴- مبانی نظری بحث

۴-۱- پروین اعتصامی و قطعات او

پروین اعتصامی (۱۲۸۵-۱۳۲۰) از زنان هنرمند و شاعر معاصر است که در تبریز متولد شده و تحصیلات خود را در مدرسه آمریکایی تهران به پایان رسانده و ادبیات فارسی و عربی را نزد پدرش آموخته است.

پروین، اشعارش را در قالب‌های قصیده، مثنوی و قطعه سروده است. او بویژه در قصاید از سبک شاعران خراسان پیروی کرده است. اشعار او دارای مضامین اجتماعی و واقعی زندگی و حاوی نکات لطیف و حکیمانه و اخلاقی و ترکیبی است که به قصد پند و اندرز و برای تسلیت خاطر بیچارگان سروده است. (ر.ک. خانلری، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

قطعات پروین اعتصامی: در دیوان پروین (تصحیح امیرعلی آذرطلعت) ۹۰ قطعه وجود دارد که همه آن‌ها حاوی نکات اخلاقی و تربیتی و انتقادی هستند. این قطعات عمدتاً به صورت حکایت تمثیلی بیان شده‌اند. قهرمانان آنها حیوانات، گیاهان، اشیاء، انسان‌ها و ... هستند. نوع روایت در این حکایت‌ها به صورت گفتگوی دو طرفه است که در بیشتر موارد حالت مناظره دارد.

۴-۲- تمثیل

تمثیل یکی از شیوه‌های بیان است که انسان از گذشته تا امروز برای بیان احساسات و تفکرات خود از آن استفاده کرده است. درباره تمثیل، تعاریف متعددی در کتابهای بلاغت و غیر آنها نقل شده است؛ اما با توجه به موضوع تحقیق و تلقی‌ای که ما از تمثیل در این پژوهش داریم تمثیل معادل «الگوری» است که از اصل یونانی *allegoria* گرفته شده و به معنی نوعی دیگر صحبت کردن است و در اصطلاح «روایتی است به شعر یا نثر که مفهوم واقعی آن از طریق برگرداندن اشخاص و حوادث به صورت‌هایی غیر از آنچه در ظاهر دارند به دست می‌آید. بدین معنی که نویسنده یا شاعر، قهرمان‌ها، حوادث و صحنه داستان را طوری انتخاب می‌کند که بتواند منظور او را که معمولاً عمیق‌تر از روایت ظاهری داستان است به خواننده انتقال دهند» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۰۳). از این دیدگاه سیما داد نیز تمثیل را حکایتی می‌داند که تمامی عوامل و اعمال داستانی و گاه محیط ظاهری در آن تنها به مفهوم خودشان حاضر نیستند بلکه برای بیان نظم ثانوی و همبسته‌ای میان اشیاء، مفاهیم و حوادث حضور دارند به عبارت دیگر، اشیاء و موجودات معادل مفاهیمی هستند که خارج از حوزه آن روایت قرار دارند. (داد، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

تمثیل‌ها را از دو جنبه می‌توان تقسیم‌بندی کرد: محتوا و ساختار. تمثیل از لحاظ محتوا به تمثیل‌های اخلاقی، سیاسی - تاریخی، اندیشه، رمزی و رؤیا قابل تقسیم‌بندی است و از لحاظ ساختار و صورت به مثل، اسلوب معادله، حکایت حیوانات، حکایت انسانی و مثالک. (ر.ک. فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۶۹-۲۶۲).

۳-۴- تمثیل حیوانات (فابل)

تمثیل در شکل‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما معمول‌ترین شکل ارائه آن، در قالب افسانه حیوانات است؛ در این نوع داستان‌ها، «حیوانات، تمثیل شخصیت‌ها یا خصوصیات اخلاقی و رفتارهای گوناگون نوع بشر قرار می‌گیرند» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۰۳). به این نوع تمثیل در زبان‌های اروپایی «فابل» گفته می‌شود که منظور از آن «قصه ساده و کوتاهی است که اشخاص آن معمولاً حیوان هستند. هدف از آن، آموزش یک اصل اخلاقی یا تعلیم حقیقی معنوی است.» فابل‌ها غالباً کوتاه و ساده‌اند و حیواناتی که در آن نقش ایفا می‌کنند عملاً انسانند و رفتار و کردارشان کاملاً انسانی است. عمده‌ترین عنصر فابل، نکته تعلیمی آن است» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۶۸).

زرین‌کوب دلیل گرایش بیشتر به تمثیل‌های حیوانات را سادگی و بیشتر در دسترس بودن آنها می‌داند و می‌نویسد: «... به آسانی نمی‌توان در هر مورد که اثبات مدعایی لازم آید قصه‌هایی مبنی بر واقعیات تجربی و نمونه‌هایی در آنچه در عالم واقع روی داده است به خاطر آورد و شاهد مدعا ساخت اما ابداع امثال حیوانات یا قصه‌های تمثیلی مشابه، البته آسانتر از احاطه بر واقعیات و تذکر حوادث و تجارب مسبوق می‌تواند بود» (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۱۶۶). از نمونه‌های این آثار در ادب غرب و شرق می‌توان به داستانهای ازوپ، افسانه‌های لافونتن، قلعه حیوانات، کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، آثار عطار، مثنوی مولوی و ... اشاره کرد.

۴-۴- حکایت انسانی (پارابل)

نقطه مقابل فابل، پارابل است که در آن به جای حیوانات، قهرمانان اشخاص انسانی هستند و عبارت از «حکایتی کوتاه است که حاوی یک نکته اخلاقی است... وقایع و حوادثی که در پارابل رخ می‌دهد در عالم واقعی نیز ممکن است رخ دهد» (فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۶۹). ضمناً درس اخلاقی‌ای که در پارابل ارائه می‌شود در مقایسه با حکایات حیوانات در سطح متعالی‌تر و متمدنانه‌تری است؛ چرا که پارابل بیشتر به حقایق اخلاقی و روحانی نظر دارد به گونه‌ای که یک نمونه عالی از اخلاق انسانی را به منزله الگویی برای اخلاق عمومی مطرح می‌کند (ر.ک. همان). به نظر زرین‌کوب نیز «تمثیل مدعا از طریق نقل

حکایات واقعی یا محتمل الوقوع بیشتر مایه اقتناع است چرا که غالباً چنان به نظر می‌آید که آینده و حال به گذشته شباهت دارد و احوال کسانی که پیش از ما بوده‌اند نقد حال و آینده احوال ما محسوب است» (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

۴-۵- تمثیل حیوانات در ادبیات فارسی

بیان مفاهیم و نکات مهم اخلاقی و تربیتی و ... در قالب حکایت از گذشته‌های بسیار دور (قبل از اسلام) در ادبیات ایران سابقه دارد؛ ذوالفقاری در مقدمه کتاب جامع التمثیل به نقل از «الفهرست» ابن ندیم درباره گرایش ایرانیان به روایت‌های داستانی می‌نویسد: «فارسیان اولین قومی بودند که به تصنیف داستانها (خرافات) روی آوردند و آنها را در کتب مدون کردند و در کتابخانه‌ها قرار دادند. ایشان برخی از داستانها را به حیوانات منتسب کرده و از زبان آنها نقل می‌کردند و از شاهان ایرانی، اشکانیان مخصوصاً در این باره کوشیدند و در زمان ساسانیان این کار گسترش بیشتری یافت و بعدها اعراب این حکایت‌ها را به زبان عربی نقل کردند...» (حبله‌رودی، ۱۳۹۰، ۱۷). از نمونه‌های آثار تمثیلی قبل از اسلام که از زبان حیوانات نقل شده می‌توان به هزار افسان و درخت‌آسوری اشاره کرد؛ ظاهراً هزار افسان، مهم‌ترین مجموعه داستان‌های ایرانی بوده است و ابن ندیم آن را اولین کتابی می‌داند که در زمینه حکایت و داستان تألیف شده است (ر.ک. تفضلی، ۱۳۷۸: ۲۹۷). درخت‌آسوری نیز مناظره‌ای است بین بز و درخت که به زبان پارتی یا پهلوی اشکانی سروده شده است (همان: ۲۵۶).

اما در ادبیات فارسی بعد از اسلام، تمثیل حیوانات در دو دسته از آثار ادبی قابل توجه است، اولی داستانهای تمثیلی است که حاوی نکات تعلیمی اخلاقی و تربیتی است و عمدتاً به نثر نوشته شده که برجسته‌ترین نمونه‌های آن کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه هستند که البته اصل هر دو کتاب مربوط به ایران پیش از اسلام است و بعد از اسلام بازنویسی شده‌اند. و دومی آثار عرفانی هستند که عمدتاً به نظم نوشته شده‌اند و در آنها نکات عرفانی مورد توجه قرار گرفته و با تمثیل حیوانات تبیین شده است و از برجسته‌ترین نمونه‌های آن می‌توان به مثنوی مولوی و آثار عطار - بویژه منطق‌الطیر او اشاره کرد. تمثیل حیوانات در ادبیات معاصر نیز مورد توجه شعرا و نویسندگان قرار گرفته که از آن موارد می‌توان به منظومه «عقاب» خانلری و حکایت یک اژدها از نادر ابراهیمی، مهره مار از به‌آذین و ... اشاره کرد.

۵- تحلیل موضوعی تمثیل حیوانات در قطعات پروین اعتصامی

در میان قطعات پروین اعتصامی که تعداد آنها ۹۰ تا است ۲۱ قطعه از زبان حیوانات نقل شده است. این قطعه‌ها که تقریباً همگی به صورت گفتگو و مناظره هستند در ۱۵ قطعه هر دو طرف گفتگو حیوانات هستند در ۵ قطعه یک طرف حیوان و طرف دوم از سایر عناصر - که در این قطعات، در ۳ مورد طرف دوم، گل است در مقابل بلبل و در ۱ قطعه، شمع در برابر پروانه و در ۱ قطعه نیز انگشت (زغال) است در برابر جُعَل پیر - و در ۱ قطعه نیز گفتگو به صورت درونی و تکی است که «طایر» با خودش حرف می‌زند و سخنانی که مطرح می‌شود در ددل‌های اوست.

با توجه به اینکه در همه قطعات - به جز یک مورد - قهرمانان جفتی و دوتایی هستند و اکثراً حالت تقابلی دارند که درباره یک موضوع باهم بحث و مناظره می‌کنند، برای پرهیز از تکرار و کاستن از حجم مطلب، به جای مداخل قرار دادن حیوانات - که در اکثر تحقیقات مورد توجه قرار گرفته - موضوعات مورد بحث را مداخل قرار داده، تمثیل حیوانات را به صورت موضوعی تحلیل کرده‌ایم. چنانکه ذکر شد تقریباً در همه این قطعات با حالت تقابلی مواجه هستیم و قهرمانان که جفتی و دوتایی هستند هر کدام طرفدار موضوعی هستند در تقابل دیگری و مخالف با آن. بیان مطلب به شیوه تقابلی یکی از بهترین روشها برای تفهیم آن به مخاطب است و در این مورد، این سخن معروف است: «تعرف الاشياء بأضدادها»؛ اشیا با ضدشان شناخته می‌شوند. به نظر می‌رسد پروین اعتصامی، آگاهانه و برای تفهیم بهتر مطلب به خواننده از تقابل‌های معنایی به عنوان یکی از بهترین امکانات زبانی در روشنگری و توضیح مطلب استفاده کرده است؛ در کتاب «مبانی نشانه‌شناسی» درباره اهمیت «تقابل‌ها» (یا متضادها) می‌خوانیم: تقابل‌های دوتایی یکی از مهمترین اصول حاکم بر زبان‌اند و به اعتقاد «سوسور»، تمایزات میان نشانه‌ها مهم‌تر از شباهت‌های میان آنهاست. «رومن یاکوبسن» نیز معتقد است: واحدهای زبانی توسط نظامی از تقابل‌های دوتایی به هم مربوط و محدود می‌شوند. این تقابل‌ها در تولید معنا نقشی بنیادی دارند؛ معنای «تاریک» وابسته به معنای «روشن» است. «صورت» جز در ارتباط با «محتوا» قابل درک نیست. (چندلر، ۱۳۸۷: ۱۵۹). حال، با توجه به این توضیحات، تمثیل‌های حیوانات در قطعات پروین اعتصامی را به صورت موضوعی و براساس تقابل‌های معنایی طرح و تحلیل می‌کنیم.

۵-۱- اختیار و تلاش $\neq$ جبر و عدم تلاش

جبر و اختیار که نتیجه آن‌ها عدم تلاش یا تلاش است از موضوعات مهم و پربحث در کلام اسلامی است که محلّ منازعه اشعری‌ها (جبرگرا) و معتزلی‌ها (طرفدار اختیار) بوده و در متون نظم و نشر

فارسی نیز انعکاس یافته است؛ از جمله در مثنوی مولوی و در داستان «شیر و نخجیران» که در آن، شیر طرفدار اختیار و نخجیران، طرفدار جبر هستند. (مولوی، ۱۳۸۰: ۵۳). پروین اعتصامی (۱۳۸۷: ۲۳۵) با آگاهی از سابقه این موضوع در ادبیات فارسی، در حکایت «دو همراه» آن را طرح کرده است و «بط» را تمثیل قرار داده است برای اختیار و تلاش و «ماهی» را برای تسلیم و عدم تلاش. در این حکایت بط، رمز کسانی است که سرنوشت‌شان را با تلاش و کوشش خودشان رقم می‌زنند در مقابل ماهی، رمز کسانی است که گرفتار جبر هستند و تسلیم قضا و قدر؛ بنابراین برای تغییر سرنوشت تلاشی نمی‌کنند. در «فرهنگ مصور نمادهای سنتی»، بط معرف پرواز دور و دراز بدون خستگی در اقیانوس‌های دور دانسته شده است (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۴۹) و در حکایتی از بوستان سعدی به استقامت بط در برابر طوفان اشاره شده است.

گراز نیستی دیگری شد هلاک تو را هست بط را ز طوفان چه باک؟

(سعدی، ۱۳۸۵: ۲۱۳)

این شواهد را می‌توان به عنوان سابقه‌ای برای زمینه ذهنی پروین، در کاربرد بط در این معنا دانست. ماهی سابقه اساطیری و داستانی زیادی در فرهنگ و ادبیات دارد از ماهی زیرزمین که در اعتقادات گاو بر پشت آن قرار گرفته تا برج حوت (ماهی) در آسمان و تا ماهی‌ای که حضرت یونس را بلعید و ... اما یکی از موضوعات مهم درباره ماهی، مقهور بودن او در برابر انسان و شکار شدن اوست؛ یکی از داستان‌هایی که نتیجه آن نزدیک به این معنا و کاربرد ماهی در حکایت پروین اعتصامی است حکایت «سه ماهی» در کلیله و دمنه است که ماهی سوّم به عنوان نماد عجز و ناتوانی در تور صیادان می‌افتد. (ر.ک. منشی، ۱۳۷۰: ۹۱). اما گاهی نیز، ماهی در ادبیات فارسی در معنایی ضد این معنا (جبر و تسلیم) ظاهر می‌شود که یکی از بهترین مصداق‌های آن را در داستان «ماهی سیاه کوچولو» از صمد بهرنگی می‌بینیم که ماهی سیاه کوچولو با تلاش و کوشش سرنوشت خودش را رقم می‌زند (ر.ک. بهرنگی، ۱۳۸۷: ۴۰۰-۳۷۶). در داستان «و خاک تشنگی بود» محمود اعتمادزاده، «ماهی دریای لاجورد» قهرمان داستان نیز، سرنوشتی شبیه ماهی سیاه کوچولو دارد و همین نقش و کارکرد را بر عهده دارد و سعی در رقم زدن سرنوشت خودش دارد. (ر.ک. اعتمادزاده، ۱۳۵۷: ۶۷-۵۵).

۵-۲- خوش‌بینی و عدم شکایت $\neq$ نارضایتی و شکایت

موضوع خوش‌بینی یا عدم خوش‌بینی که نتیجه آن شکایت یا عدم شکایت است از موضوعاتی است که مصداق آن را در افراد مختلف در زندگی روزمره می‌توانیم ببینیم؛ در ادبیات نیز این موضوع انعکاس یافته و باعث به وجود آمدن آثاری با عنوان «شکوائیه» شده است که در آنها شعرا و نویسندگان از موضوعات مختلف شکایت کرده‌اند؛ پروین اعتصامی (۱۳۸۷: ۲۳۲) در حکایت «دو همدرد» این موضوع را از زبان «بلبل» و «طوطی» که در قفس زندانی هستند طرح کرده است؛ بلبل که از سرنوشت خودش ناراضی است و از اینکه در قفس افتاده شکایت می‌کند و دنبال علت زندانی شدن خودش می‌گردد:

باغبانش ز چه در زندان کرد
بلبل شایسته یغماگر نیست
(همان)

تمثیل آورده شده است برای نارضایتی و شکایت. در مقابل، طوطی که شکایتی از سرنوشت خود ندارد و با خوش‌بینی در قفس بودن را به عنوان سرنوشت خودش می‌پذیرد و آن را مثل چمن می‌داند: چمن ارنیست قفس خود چمن است به خیال است به دیدن گر نیست
(همان)

تمثیل خوش‌بینی و عدم شکایت است. این دو پرنده در باورهای قومی و اساطیری نقش دارند؛ بلبل در اکثر فرهنگ‌ها رمز عشق و عاشقی است؛ در ادبیات فارسی نیز در همین معنا به کار رفته است؛ اما معنایی که نزدیک به این حکایت پروین یا در ارتباط با آن باشد گریه و ناله کردن بلبل از روی بیچارگی در برابر گل (معشوق) که از روی استغنا و ناز توجهی به او ندارد و غمناکی و ناشادی او از فراق گل است که در شعر برخی شاعران از جمله قطران و خاقانی انعکاس یافته است:

ز گلبن گل همی خندد به سان دلبر نازان	بر او بلبل همی گرید به سان عاشق مسکین
	(قطران، ۱۳۶۲: ۳۴۴)

غمناک بود بلبل، گل می‌خورد که در گل	مشک است و زر و مرجان و این هر سه هست غم بر
	(خاقانی، ۱۳۷۳: ۱۹۲)

در فرهنگ سمبل‌ها نیز «بیچارگی و تنهایی» از جمله معانی سمبلیک بلبل نقل شده است (جایز، ۱۳۹۵: ۲۷)

طوطی در مقایسه با بلبل، بازتاب بیشتری در اساطیر و داستانها دارد به گونه‌ای که داستانهایی کلاً از زبان طوطی نقل شده و «طوطی‌نامه» نامیده شده است. در ادبیات عرفانی نیز «طوطی» رمز روح است که در قفس جسم زندانی است از جمله در داستان طوطی و بازرگان مثنوی مولوی. ارتباط طوطی با قفس در داستان‌های زیادی نقل شده است اما اینکه از بودن در قفس راضی و خشنود باشد سابقه ندارد و موضوع تازه‌ای است و پروین اعتصامی در نماد قرار دادن او برای موضوع خوش‌بینی و عدم شکایت، نوآوری کرده است که احتمالاً ناشی از ارتباط این پرند با انسانها و سازگار شدن با آنهاست که پروین آن را ناشی از رضایت و خشنودی طوطی از وضعیت موجود دانسته است.

۳-۵ مظلومیت $\neq$ ستمگری

در ادبیات فارسی برای تبیین معنای مظلومیت و ستمگری از نمادهای مختلفی استفاده شده است؛ از جمله: گرگ و گوسفند، فیل و پشه، باز و گنجشک و ... پروین اعتصامی (۱۳۸۷: ۲۶۲) برای بیان این موضوع از تقابل معنایی موش و گربه استفاده کرده و این دو را در مقابل هم قرار داده است؛ او در حکایت «فریب آشتی»، موش را تمثیل مظلومیت و ناتوانی آورده و گربه را تمثیل ستمگری. موش رمز مظلومانی است که مورد طمع ظالمان قرار می‌گیرند اما به دلیل شناختی که از آنها دارند فریب‌شان را نمی‌خورند. گربه نیز رمز ظالمانی است که با حيله و نیرنگ قصد ضربه زدن به مظلومان را دارند. در فرهنگ سمبل‌ها (۱۳۹۵: ۷۰) «بی‌رحمی، بی‌وفایی، پیمان‌شکنی، چاپلوسی، حرص و طمع، حيله‌گری و شکنجه‌گری» از جمله معانی سمبلیک گربه است که با کارکرد و نقش او در حکایت پروین اعتصامی مرتبط هستند؛ در همین کتاب (۸۴) در باورهای قومی و اساطیری، موش «به عنوان یکی از کوچک‌ترین و خسیس‌ترین جانوران، نماد تواضع و فروتنی محسوب می‌شود. همچنین سمبل محبت، مهربانی و نوازش نیز شناخته شده است» که با کارکرد این حیوان در حکایت پروین و برخی حکایات در ادبیات کلاسیک فارسی بی‌ارتباط نیست. گذشته از این، پروین اعتصامی در پرداختن این حکایت قطعاً به حکایت‌هایی که درباره این دو جانور در برخی متون آمده توجه داشته است از جمله؛ داستان موش و گربه که در کلیله و دمنه (منشی، ۱۳۷۰: ۲۶۶-۲۸۱) آمده و مضمون این حکایت بسیار شبیه به آن است. نیز حکایت موش و گربه از مرزبان‌نامه (وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۷۹-۲۶۷) که در نهایت گربه،

موش را می‌خورد و مثنوی معروف (موش و گربه) عبید زاکانی (۱۹۹۹: ۴۰۲-۳۹۵) که باز گربه با حيله و مکر بر موش‌ها غلبه می‌کند.

علاوه بر این حکایت، در حکایت «فریاد حسرت» (۱۳۸۷: ۲۲۵) طایری (پرنده‌ای) که زخم پیکان خورده و در گفتگوی درونی از ظلم و ستمی که به او شده گله می‌کند و ناله سر می‌دهد نیز تمثیل مظلومیت است؛ این پرنده رمز موجوداتی است که به قول سعدی «جان دارند و جانشان شیرین است» اما مورد ستم ستمگران قرار می‌گیرند و جز آه و ناله کاری از دست‌شان بر نمی‌آید:

کسی که بر رگ من تیر زد نمی‌دانست که قلب خرد مرا هم ورید و شریانی است
ربود مرغکم از زیر پر به عنف و نگفت که مادری و پرستاری و نگهبانی است

تا جایی که به مظلومیت خودش اشاره می‌کند:

اسیر کردن و کشتن تفرّج و بازی است نشانه کردن مظلوم کار آسانی است

۵-۴- فداکاری و خدمت به دیگران $\neq$ خودخواهی و به فکر خود بودن

فداکاری و خدمت به دیگران از مسائلی است که هم در دین بر آن تأکید شده و هم در فرهنگ و ادبیات؛ تا جایی که در ادبیات و نیز در بین صوفیه خدمت به خلق بر عبادت خدا برتری داده شده است؛ و سخن سعدی مصداقی بر این مدّعاست:

طریقت به جز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست

(سعدی، ۱۳۸۵: ۲۰۹)

و در مقابل خودخواهی و فقط به فکر خود بودن نکوهش شده است.

پروین اعتصامی این موضوع را در سه حکایت مربوط به حیوانات در قطعات خود پرورده است؛ کارگاه حریر، سپید و سیاه و کوته‌نظر. او در حکایت کارگاه حریر (۱۳۸۷: ۲۱۹) برای تبیین این موضوع از تقابل معنایی کرم پیله و حلزون استفاده کرده است؛ پروین کرم ابریشم را به دلیل فداکاری برای تولید ابریشم که نوعی خدمت به مردم است تمثیل فداکاری و خدمت به دیگران قرار داده و حلزون را که فقط به فکر خودش است و از کرم ابریشم به دلیل کار کردن بی‌مزد انتقاد می‌کند تمثیل خودخواهی و به فکر خود بودن. کرم ابریشم رمز انسانهای فداکار و از جان گذشته است که عمر و زندگی و راحتی و آسایش خود را برای خدمت به دیگران فدا می‌کنند. حلزون نیز رمز انسانهای

خودخواه است که فقط به فکر خود و آسایش خود هستند که در جواب کرم ابریشم به حلزون بر این نکته تأکید می‌شود:

به خدمت دگران دل چگونه خواهد داد کسی که همچو تو دائم به فکر خویشتن است
(همان: ۲۲۰)

پروین در حکایت سپید و سیاه نیز از تقابل زاغ و کبوتر استفاده کرده و این موضوع را تبیین کرده است؛ او زاغ را که به کبوتر زخمی خدمت می‌کند تا بهبود یابد تمثیل فداکاری و خدمت به دیگران آورده است و کبوتر را به دلیل ناسپاسی و قدرشناسی تمثیل خودخواهی و به فکر خود بودن. اولین تقابل زاغ و کبوتر در داستان حضرت نوح است که البته در آن ماجرا زاغ به دلیل نافرمانی نکوهش می‌شود و کبوتر به دلیل فرمانبری، ستایش (ر.ک. نیشابوری، ۱۳۸۲: ۳۸). نوع نگاه پروین اعتصامی به زاغ از نوعی تازگی و غرابت برخوردار است چون در ادبیات فارسی معمولاً از زاغ به بدی و زشتی یاد شده است. از معدود مواردی که در فرهنگ و اساطیر ملل، زاغ وجهه مثبتی دارد در ژاپن است که زاغ، «نمونه‌ای از احترام فرزندی است چون به گونهٔ پسندیده‌ای از والدین پیر خود مراقبت می‌کند» (جابر، ۱۳۹۵: ۶۵). و نگاه پروین به این پرنده و با این ویژگی، کاملاً در ارتباط با معنای نمادین این پرنده در ژاپن است. و نهایتاً در حکایت کوتاه‌نظر (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۱۷). پروانه را به دلیل از جان گذشتگی و فداکاری در راه شمع، تمثیلی برای این موضوع آورده است؛ این حکایت به گونه‌ای یادآور حکایت شمع و پروانه از بوستان سعدی است که البته در آنجا شمع نماد از جان گذشتگی است (ر.ک. سعدی: ۱۳۸۵: ۲۸۰). به احتمال زیاد پروین به این حکایت نظر داشته است اما جای آن دو را در تمثیل فداکاری و از جان گذشتگی عوض کرده است که در گفتار پروانه نیز بروز یافته است:

من به پای تو فکندم دل و جان روزم از روز تو صد ره بترست ...

و شمع را به خودبینی و خودخواهی متهم می‌کند:

خویشتن دیدن و از خود گفتن صفت مردم کوتاه نظر است

(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۱۷)

۵-۵- درستکاری و وفاداری $\neq$ دزدی و خیانت

پروین اعتصامی برای تبیین درستکاری و وفاداری از تمثیل سگ بهره برده و در مقابل برای تبیین دزدی و خیانت از تمثیل گربه و گرگ؛ او در حکایت «گرگ و سگ» (همان: ۲۵۹) و «خاطر خشنود» (همان: ۲۴۴) سگ را رمز انسانهای وظیفه‌شناس و درستکار و وفادار و گرگ و گربه را رمز انسانهای خائن و دزد و بدکار آورده است. وفاداری سگ نکته‌ای است که در اغلب فرهنگ‌ها بر آن تأکید شده؛ چنانکه در فرهنگ نمادها می‌خوانیم: «سگ نماد وفاداری است» (سرلو، ۱۳۸۹: ۴۸۳) یا در فرهنگ مصوّر نمادهای سنتی، وفاداری، پاسداری و نجابت از معانی نمادین سگ دانسته شده است (کوپر، ۱۳۸۶: ۲۰۲) در آیین زرتشتی «سگ با صفاتی مانند وفاداری، اطاعت و مهربانی، حیوانی است صاحب اخلاق و توانایی انتخاب» (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۸). از والاترین جلوه‌های سگ در روایات در ماجرای سگ اصحاب کهف است که داستان آن در قرآن نقل شده است (۸/۱۸-۲۶). سگ نه تنها در زندگی دنیایی، بلکه در سفر آخرت نیز همراه انسان است و با او همکاری می‌کند چنانکه بر سر پل چینود، سگی مینوی قرار دارد (عبداللّهی، ۱۳۹۱: ۴۳۰/۱). در حکایت‌های پروین، در هر دو مورد، سگ به درستکاری و وفاداری خودش افتخار می‌کند: «نخست رسم و ره ما درستکاری ماست» (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۴۴). «درستکارم و هرگز نمادهام بی‌کار» (همان: ۲۵۹). اما خیانت گرگ نیز مشهور است و او در این صفت، نمادینه شده است. در اوستا گرگ «جانور درنده‌ای است که نماد جانوران اهریمنی و حتی خود اهریمن می‌باشد» (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۳۳). در فرهنگ نمادها «گرگ نماد اصل بدی است» (سرلو، ۱۳۸۹: ۶۵۱) در فرهنگ سمبل‌ها، خوانخوازی، دزدی، ستمگری، غارتگری و ... از معانی سمبلیک گرگ محسوب شده است (جایز، ۱۳۹۵: ۷۱) که کاملاً در ارتباط با معنای تمثیلی این حیوان در قطعات پروین است؛ به گونه‌ای که سگ در جواب گرگ او را راهزن خوانده است: «که رهزنی تو و من نام، پاسبان دارم» (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۵۹). گربه نیز به دزدی معروف است و در این صفت، نمادینه شده است؛ در فرهنگ سمبل‌ها «بی‌وفایی، پیمان شکنی، چالپوسی، خیانت، دزدی و ... از معانی سمبلیک گربه دانسته شده است» (جایز، ۱۳۹۵: ۷۰). دیدن گربه در خواب، نشانه زن و خادم دزد و غمّاز است (عبداللّهی، ۱۳۹۱: ۹۰۷/۲) در آیین زرتشتی، گربه جزو خرفستران (موجودات زیانکار) شمرده می‌شود (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۶). با توجه به این سابقه اساطیری درباره گربه، در شعر پروین نیز از زبان سگ خطاب به گربه به دزدی او اشاره می‌شود: «قبیله تو در آیین دزدی استادند» (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۳۴).

۵-۶- با تجربگی $\neq$ بی تجربگی

تجربه، نکته‌ای است که در دین و ادبیات و فرهنگ، بر آن بسیار تأکید شده و حتی آن را بالاتر از علم دانسته‌اند. اگر جوانان با قدرت جوانی‌شان شناخته می‌شوند پیران با تجربه و کاردانی‌شان مطرح هستند و با توجه به همین مسأله، جملاتی در این مورد مثل شده است: «رأی پیر به از بخت جوان». «جز به تدبیر پیر کار مکن». «تدبیر از پیر، جنگ از جوان». و ... پروین اعتصامی در قطعات تمثیلی مربوط به حیوانات، در ۴ حکایت درباره تجربه صحبت کرده است که عبارتند از: کمان قضا (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۱۴)، مادر دوراندیش (همان: ۲۲۲)، خون دل (همان: ۲۵۶) و کودک آرزومند (همان: ۲۶۹). که در این حکایت‌ها به ترتیب مادر موش، ماکیان، مرغ و مرغ زیرک تمثیل باتجربگی و کاردانی هستند و موشک (موش کوچک)، مرغکان (جوجه‌ها)، مرغ خرد و مرغک تمثیل بی تجربگی. در این حکایت‌ها عناصر مجرب، کارنایدگان را از روی محبت و خیرخواهی نصیحت می‌کنند که گاهی با مقاومت جوانان ناسعادت‌مند مواجه می‌شوند که از روی غرور جوانی در مقابل آنها می‌ایستند و آسیب نپذیرفتن پند را می‌بینند؛ چنانکه موشک در حکایت کمان قضا و مرغک در حکایت کودک آرزومند. پروین در این حکایت‌ها برای تبیین مفهوم تجربه و اهمیت آن از تقابل مادر (باتجربه و دانا) و فرزند (بی تجربه و خام) بهره برده است؛ در حکایت کمان قضا، مادر موش، موشک (موش کوچک) را از آسیب حوادث چرخ برحذر می‌دارد اما موشک با گستاخی و غرور به او جواب می‌دهد:

موشک آزرده گشت و گفت خموش عقل من بیشتر ز عقل شماسست

(همان: ۲۱۵)

و در نهایت چوب عدم استفاده از تجربه مادر و حرف گوش نکردنش را می‌خورد و در تله می‌افتد. در حکایت مادر دوراندیش، با یک دیالوگ یک طرفه مواجه هستیم که ماکیان، مرغکان (جوجه‌ها) را نصیحت می‌کند و آنها را به کار کردن و طلب روزی دعوت می‌کند اما از آنها می‌خواهد که مراقب خود باشند و از حوادث بترسند و بدون او به جایی نروند:

بی‌من ز لانه دور نگردید هیچ‌یک تنها چه اعتبار در این کوی و برزن است

(همان: ۲۲۳)

در حکایت خون دل، مرغ (مادر) که به باغ رفته و سنگی به او خورده و پر و بالش خونین شده رمز انسانهای با تجربه و دانا است که گرفتار مصائب روزگار هستند و مرغ خرد (بچه او) که وقتی او را به این شکل می‌بیند متوجه اصل ماجرا نمی‌شود و می‌گوید:

بگریست مرغ خرد که برخیز و سرخ کن
مانند بال خویش مرا نیز بال و چنگ
(همان: ۲۵۶)

رمز انسانهایی است که از نادانی و بی‌تجربگی نسبت به جهان و مصائب آن ناآشنا هستند و نهایتاً در حکایت کودک آرزومند، مرغک از روی بی‌تجربگی و غرور جوانی و بلندپروازی، مرغ زیرک (مادرش) را خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید:

من عمر خویش چون تو نخواهم تباه کرد
در سعی و رنج ساختن آشیانه‌ای ...
(همان: ۲۶۹)

و با جواب حکیمانه مادرش مواجه می‌شود که با محبت و دلسوزی او را راهنمایی می‌کند:

خندید مرغ زیرک و گفتش تو کودکی
کودک نگفت جز سخن کودکانه‌ای
آگاه و آزموده توانی شد آن زمان
کاگه شوی ز فتنه دامی و دانه‌ای
(همان)

۷-۵ آزادی ≠ گرفتاری

در قطعات پروین آزادی در مفهوم آزاد و رها بودن در تقابل با مفهوم گرفتاری و اسارت است و او در دو حکایت کاروان چمن (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۱۹) و نکوهش بی‌خبران (همان: ۲۴۵) در تقابل مرغ چمن و همای (تمثیل آزادی) و صید قفس و ماکیان (تمثیل گرفتاری) به تبیین این موضوع پرداخته است؛ در حکایت کاروان چمن، مرغ چمن - که رمز انسانهای آزاد و رها است - به واسطه بی‌تجربگی و بی‌خبری از مصائب و مشکلات صید قفس را - که رمز انسانهای گرفتار و اسیر است - به گردش در باغ دعوت می‌کند که با جواب حکیمانه مرغ گرفتار و توصیه او برای پرهیز از غفلت - که باعث گرفتاری است - مواجه می‌شود:

همچو من غافل و سرمست می‌ر
قفس آخر نه همین یک قفس است ...
از گرفتاری من عبرت گیر
که سرانجام هوی و هوس است
(همان: ۲۱۹)

و در حکایت نکوهش بی‌خبران، همای - که رمز انسانهای آزاد و رها است - از روی بی‌خبری و نادانی به ماکیان - که رمز انسانهای گرفتار و اسیر است - طعنه می‌زند و آنها را بی‌همت و تن آسان و ... می‌خواند:

همای دید سوی ماکیان به قلعه و گفت
 زبون مرغ شکاری و صید روباهند
 که این گروه چه بی‌همت و تن آسانند
 رهین منت گندم فروش و دهقانند
 (همان: ۲۴۵)

و با جواب حکیمانه ماکیان مواجه می‌شود که به طور خلاصه آزادی همای و گرفتاری خودش را نتیجه قضا و قدر می‌داند:

تو را بر اوج بلندی مرا سوی پستی
 مباشران قضا می‌زنند و می‌رانند
 (همان)

۸-۵ هنرمندی و زیبایی ≠ بی‌هنری و زشتی و عیب‌جویی

در این دنیا کسانی هستند که هنرمندند و دارای محاسن، اما از آن دم نمی‌زنند در مقابل افرادی هستند زشت و بی‌هنر که علی‌رغم داشتن عیب‌های بزرگتر در وجودشان به عیب‌جویی از دیگران می‌پردازند و عیب‌های کوچکتر دیگران را به رخشان می‌کشند. این مسأله در دین و فرهنگ و ادبیات مورد توجه قرار گرفته و انسانها به خودشناسی و عدم عیب‌جویی از دیگران دعوت شده‌اند؛ به عنوان مثال حضرت علی (ع) می‌فرماید: «طوبی لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عَيْبِ النَّاسِ / خوشا به حال کسی که عیب خودش، او را از پرداختن به عیب‌های مردم باز دارد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۷۶). یا در کتاب مقدس (انجیل) می‌خوانیم: «چطور است که در چشم خود شاه تیر را نمی‌بینی اما در چشم برادرت پر کاه را می‌بینی».

پروین اعتصامی در دو حکایت عیب‌جو (اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۱۳) و نکوهش نکوهیده (همان: ۲۶۷) در تقابل طاووس (تمثیل هنرمندی و زیبایی) و زاغ و جُعل پیر (تمثیل زشتی و بی‌هنری و عیب‌جویی) به تبیین این موضوع پرداخته است؛ او در حکایت عیب‌جو، زاغ - که رمز انسانهای عیب‌جو است که عیب‌های بزرگتر خود را نمی‌بینند و از عیب‌های کوچکتر دیگران ایراد می‌گیرند - به عیب‌جویی از طاووس - که رمز انسانهای هنرمند و زیبا است - می‌پردازد:

زاغی به طرف باغ به طاووس طعنه زد کائن مرغ زشت روی چه خودخواه و خودنماست...
(همان: ۱۱۳)

و با جواب محکم و متین طاووس مواجه می‌شود که ضمن اشاره به عیب کوچک خود (زشتی و سیاهی پای) به بازگویی عیوب ظاهری و باطنی زاغ می‌پردازد. لازم به ذکر است که تقابل زاغ و طاووس به عنوان نمادهای زشتی و زیبایی در ادبیات فارسی سابقه دارد و قطعاً پروین اعتصامی به آنها نظر داشته است؛ از جمله تقابل و مناظره آنها در بهارستان جامی (ر.ک. جامی، ۱۳۷۱: ۱۱۷).

و در حکایت نکوهش نکوهیده، جعل پیر - که رمز انسانهایی است که از عیب خود بی‌خبرند و از دیگران عیب‌جویی می‌کنند و عیبی را که خودشان دارند به دیگران نسبت می‌دهند - به انگشت (زغال) طعنه می‌زند و او را سیاه می‌خواند در حالی که سیاهی در ذات خود او وجود دارد:

جعل پیر گفت با انگشت که سر و روی ما سیاه مکن
گفت در خویش هم دمی بنگر همه را سوی ما نگاه مکن ...
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۶۷)

۵-۹- هم‌نشینی با خلق ≠ گوشه‌نشینی

در دنیا همواره افرادی هستند که جمع را دوست دارند و با دیگران انس می‌گیرند و در مقابل افرادی هم هستند که تنهایی و گوشه‌نشینی را ترجیح می‌دهند؛ پروین برای تبیین این موضوع از تمثیل طوطی و جغد بهره گرفته است؛ او در حکایت سرنوشت (همان: ۲۶۲)، طوطی را رمز انسانهایی قرار داده که با خلق می‌جوشند و عاشق هم‌نشینی‌اند و از تنهایی بیزارند و در مقابل جغد را رمز کسانی قرار داده است که گوشه‌نشینی و تنهایی و آسودگی ناشی از آن را ترجیح می‌دهند. قطعاً سابقه اساطیری و داستانی این دو پرنده در تلقی پروین از این معنای نمادین بی‌تأثیر نبوده است؛ در ادبیات داستانهای زیادی وجود دارد که در ارتباط طوطی با انسانها مطرح شده است؛ از جمله طوطی و بقال و طوطی و بازرگان در مثنوی مولوی و داستان طوطی‌نامه ضیاء‌نخشبی و بسیاری حکایت‌های دیگر. که در آنها طوطی با انسانها انس می‌گیرد و هم‌نشین می‌شود و آزادی و آسودگی خود را فدای این هم‌نشینی می‌کند. در مقابل به تنهایی و عزلت و دوری جغد از انسانها، ویرانه‌نشینی و تفکر او در خلوت پرداخته شده است که از جمله آنها حکایت جغد در منطق‌الطیر است که در آن جغد بر تنهایی و دوری‌اش از مردم تأکید دارد:

دور بردم از همه کس رنج خویش بوک یابم بی طلسمی گنج خویش
(عطار، ۱۳۹۰: ۱۳۲)

نیز گفتگوی جغد با حضرت سلیمان: «... سلیمان او را گفت: چرا از کشت ما نخوری؟ گفت: زیرا که آدم علیه السلام از آن خورد و پشیمان شد. گفت: چرا از آب ما نخوری؟ گفت: زیرا که قوم نوح به آب غرقه شدند...» (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۰: ۶۸) و بقیه گفتگو که بیانگر تنهایی و گوشه نشینی و دوری او از خلق است.

۱۰-۵- عشق حقیقی $\neq$ عشق مجازی و ادعایی

اینکه عاشق در عشقش صادق است یا فقط ادعای عشق و عاشقی می کند از موتیف های غزل فارسی است. و در داستان های زیادی به تبیین آن پرداخته شده است. پروین اعتصامی در حکایت حقیقت و مجاز (۱۳۸۷: ۲۲۳) در گفتگوی بلبل (تمثیل عشق مجازی و ادعایی) با گل (تمثیل معشوق) به تبیین این موضوع می پردازد؛ در این حکایت بلبل رمز انسانهایی است که هر لحظه دل در گرو عشق دیگری دارند و نسبت به معشوق یکدل و وفادار نیستند؛

بلبل شیفته می گفت به گل که جمال تو چراغ چمن است
(همان)

و گل در جواب، او را به مدعی بودن در عشق و عاشق هر جایی بودن متهم می کند که فردا به کس دیگر ابراز عشق خواهد کرد:

حرف امروز چه گویی فرداست که تو را بر گل دیگر وطن است...
عشق آن است که در دل گنجد سخن است آنکه همی بر دهن است
(همان: ۲۲۴)

در ادبیات کلاسیک فارسی، مدعی خواندن بلبل در عشق سابقه دارد از آن جمله قطعه معروف سعدی در گلستان است که احتمالاً پروین نیز به آن توجه داشته است:

ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
این مدعیان در طلبش بی خبرانند آن را که خبر شد خبری باز نیامد
(سعدی، ۱۳۸۵: ۲۶)

۱۱-۵- زیبایی ظاهری $\neq$ زیبایی باطنی

پروین اعتصامی در حکایت «گل بی‌عیب» و در گفتگوی بلبل با گل به تبیین این موضوع می‌پردازد؛ در این حکایت بلبل به زیبایی‌های گل اشاره می‌کند اما از داشتن خار گله و انتقاد می‌کند:

گل خوشبوی و نکویی چو تو را هم‌نشین بودن با خار چراست
(اعتصامی، ۱۳۸۷: ۲۱۰)

و گل - که تمثیل زیبایی‌های ظاهری است - در جواب بلبل - که تمثیل فریفتگی به زیبایی‌های ظاهری است - از زیبایی خودش که ظاهری است متوجه زیبایی باطنی (حقیقت) می‌شود و از بلبل می‌خواهد به آن زیبایی بگردد که خار ندارد و دائمی است:

رو گلی جوی که همواره خوش است باغ تحقیق از این باغ جداست ...
ما چو رفتیم گل دیگر هست ذات حق بی‌خلل و بی‌همتاست
(همان: ۲۱۱)

این حکایت پروین و انتقاد بلبل از گل، یادآور شعر حافظ است:

صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
گل بخندید که از راست نرنجیم ولی هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت
(حافظ، ۱۳۷۴: ۱۳۶)

اما جواب گل به بلبل در سخن پروین از عمق معنایی بیشتری برخوردار است.

۱۲-۵- وقت‌شناسی $\neq$ موکول کردن کار به آینده

وقت‌شناسی و به موقع انجام دادن هر کاری، نکته‌ای است که در ادبیات فارسی، بسیار بر آن تأکید شده است؛ از جمله فردوسی می‌گوید:

از امروز کاری به فردا ممان چه دانی که فردا چه گردد زمان
(فردوسی، ۱۳۷۹:)

پروین اعتصامی نیز در حکایت «امروز و فردا» (۱۳۸۷: ۲۲۹) دربارهٔ این موضوع بحث می‌کند؛ در این حکایت بلبل - که تمثیل وقت‌شناسی است - به گل - که تمثیل موکول کردن کار به آینده است - می‌گوید: من عاشق تو شدم و در این عشق یکدل هستم اگر تو نیز مثل من باشی ... و گل جواب می‌دهد:

گفت فردا به گلستان بازای تا ببینی چه تماشایی هست
(همان)

این جواب و موکول کردن کار به فردا و آینده به مذاق بلبل خوش نمی‌آید و او را به وقت‌شناسی و دانستن قدر وقت دعوت می‌کند:

گفت رازی که نهان است ببین اگر ت دیدهٔ بینایی هست
هم از امروز سخن باید گفت که خبر داشت که فردایی هست
(همان)

ظاهراً پروین در بیت آخر، نگاهی به بیت فردوسی داشته است که قبلاً نقل شد. لازم به ذکر است که وقت‌شناسی و دانستن قدر وقت در عرفان و تصوف نیز بسیار مورد توجه بوده است.

نتیجه‌گیری

تمثیل یکی از شیوه‌ها و ابزار بیان مطلب است که شعرا و نویسندگان برای تبیین موضوعات و مفاهیم مورد نظر خود و برای القای بهتر مطالب به مخاطب از آن بهره می‌گیرند. پروین اعتصامی نیز از تمثیل بسیار بهره گرفته است؛ به گونه‌ای که می‌توان آن را مهم‌ترین ابزار بیانی پروین دانست. او در همه قالب‌های شعری‌اش از تمثیل استفاده کرده در این میان استفاده از تمثیل در قطعات او پررنگ‌تر است به گونه‌ای که می‌توان گفت اکثر قریب به اتفاق قطعات او تمثیلی هستند.

از میان ۹۰ قطعهٔ پروین، ۲۱ قطعه از زبان حیوانات نقل شده است که تقریباً همگی به صورت گفتگو و مناظره هستند؛ در ۱۵ قطعه هر دو طرف گفتگو حیوانات هستند. یک قطعه به صورت گفتگوی درونی است و در ۵ قطعه نیز یک طرف حیوان است و طرف دوم از سایر عناصر.

بسامد کاربرد حیوانات در قطعات پروین به این صورت است: مرغ (در معنای کلی پرنده) ۷ بار، بلبل ۴ بار، موش و ماکیان هر کدام ۳ بار، زاغ، طوطی، گربه و سگ هر کدام ۲ بار و طاووس، پروانه، کرم پيله، حلزون، بط، ماهی، همای، کبوتر، گرگ، جغد و جعل پیر هر کدام ۱ بار.

۲۱ قطعه نقل شده از زبان حیوانات در ۱۲ موضوع تقسیم‌بندی شدند که در همه قطعات - به جز یک مورد (فریاد حسرت که در آن طایر (پرنده) با خودش حرف می‌زند) - قهرمانان جفتی و دوتایی هستند و حالت تقابلی دارند و هر کدام طرفدار موضوعی هستند در تقابل دیگری و مخالف با آن.

این موضوعات عبارتند از: تلاش و عدم تلاش، خوش‌بینی و شکایت، مظلومیت و ستمگری، فداکاری و خودخواهی، وفاداری و خیانت، باتجربگی و بی‌تجربگی، آزادی و گرفتاری، زیبایی و زشتی، هم‌نشینی و گوشه‌گیری، عشق حقیقی و مجازی، زیبایی ظاهری و باطنی، وقت‌شناسی و موکول کردن کار به آینده.

تلقی تمثیلی پروین در مورد برخی حیوانات، در ادبیات فارسی سابقه دارد، مثل سگ، گربه، گرگ و ... اما در مواردی هم پروین تلقی جدیدی دارد بدون توجه به سابقه تمثیلی آن حیوان؛ مثل زاغ که تلقی مثبتی دارد و تمثیل خدمت به دیگران است.

جدول شماره ۱ - بسامد حیوانات در قطعات پروین

نام حیوان	دفعات تکرار	نام حیوان	دفعات تکرار
مرغ (پرنده)	۷	کرم پيله	۱
بلبل	۴	حلزون	۱
موش	۳	بط	۱
ماکيان	۳	ماهی	۱
زاغ	۲	همای	۱
طوطی	۲	کبوتر	۱
سگ	۲	گرگ	۱
گربه	۲	جغد	۱
طاووس	۱	جعل پیر	۱
پروانه	۱		

جدول شماره ۲ - موضوعات با تمثیل حیوانات

تمثیل حیوانات		موضوعات
بط	اختیار و تلاش	اختیار و تلاش $\neq$ جبر و عدم تلاش
ماهی	جبر و عدم تلاش	
طوطی	خوش بینی و عدم شکایت	خوش بینی و عدم شکایت $\neq$ نارضایتی و شکایت
بلبل	نارضایتی و شکایت	
موش / طایر (پرنده)	مظلومیت	مظلومیت $\neq$ ستمگری
گربه	ستمگری	
کرم پيله / زاغ / پروانه	فداکاری و خدمت به دیگران	فداکاری و خدمت به دیگران $\neq$ خودخواهی و به فکر خود بودن
حلزون / کبوتر	خودخواهی و به فکر خود بودن	
سگ	درستکاری و وفاداری	درستکاری و وفاداری $\neq$ دزدی و خیانت
گربه / گرگ	دزدی و خیانت	
مادر موش / ماکیان / مرغ / مرغ زیرک	باتجربگی	باتجربگی $\neq$ بی تجربگی
موشک (موش کوچک) / مرغکان (جوجه‌ها) / مرغ خرد / مرغک	بی تجربگی	
مرغ چمن / همای	آزادی	آزادی $\neq$ گرفتاری
صید قفس / ماکیان	گرفتاری	
طاووس	هنرمندی و زیبایی	هنرمندی و زیبایی $\neq$ بی هنری و زشتی و عیب جویی
زاغ / جعل پیر	بی هنری و زشتی و عیب جویی	
طوطی	هم نشینی با خلق	هم نشینی با خلق $\neq$ گوشه نشینی
جغد	گوشه نشینی	
—	عشق حقیقی	عشق حقیقی $\neq$ عشق مجازی و ادعایی
بلبل	عشق مجازی و ادعایی	

زیبایی‌های ظاهری ≠	فریفتگی به زیبایی‌های ظاهری	بلبل
زیبایی‌های باطنی	زیبایی‌های باطنی	—
وقت‌شناسی ≠ موکول کردن	وقت‌شناسی	بلبل
کار به آینده	موکول کردن کار به آینده	—

جدول شماره ۳ - حکایات و قهرمانان

عنوان و شماره حکایت	قهرمانان	عنوان و شماره حکایت	قهرمانان
گل بی‌عیب (۵)	بلبل و گل سرخ	دو همدرد (۳۱)	بلبل و طوطی
عیب‌جو (۷)	زاغ و طاووس	دو همراز (۳۵)	بط و ماهی
کمان قضا (۸)	موشک (موش کوچک) و مادر	خاطر خشنود (۴۶)	سگ و گربه
کوتاه نظر (۱۰)	پروانه و شمع	نکوهش بی‌خبران (۴۸)	همای و ماکیان
کاروان چمن (۱۲)	صید قفس و مرغ چمن	سپید و سیاه (۵۲)	کبوتر و زاغ
کارگاه حریر (۱۳)	کرم‌پيله و حلزون	خون دل (۶۱)	مرغ و مرغ خرد (بچه مرغ)
مادر دوراندیش (۱۷)	ماکیان و مرغکان (جوجه‌ها)	گرگ و سگ (۶۵)	گرگ و سگ
حقیقت و مجاز (۱۸)	بلبل و گل	فریب آشتی (۷۰)	موش و گربه
فریاد حسرت (۲۱)	طایر (پرنده)	سرنوشت (۷۱)	جغد و طوطی
امروز و فردا (۲۶)	بلبل و گل	نکوهش نکوهیده (۷۶)	جعل پیر و انگشت (زغال)
کودک آرزومند (۷۹)	مرغک (مرغ کوچک، و مرغ زیرک)		

منابع

قرآن کریم

- ابراهیمی، مختار، ۱۳۹۳، «بررسی و نقد تمثیل‌های شعر پروین اعتصامی»، بهارستان سخن، ۱۰(۲۶)، ۸۳-۱۰۰.
- اعتصامی، پروین، ۱۳۸۷، دیوان، به تصحیح امیرعلی آذر طلعت، تبریز: احرار.
- اعتمادزاده، محمود، ۱۳۵۷، شهر خدا، تهران: آگاه.
- بهرنگی، صمد، ۱۳۸۷، قصه‌های بهرنگ، تهران: سرایش.
- تفضلی، احمد، ۱۳۷۸، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن.
- جابر، گرترو، ۱۳۹۵، فرهنگ سمبل‌ها، تهران: اختران.
- جامی، نورالدین، ۱۳۷۱، بهارستان، به تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران: روزنه.
- چندلر، دانیل، ۱۳۸۷، مبانی نشانه‌شناسی، ترجم، مهدی پارسا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- حاجی‌رجبی، نفسیه و عرب، عباس، ۱۳۹۸، «تمثیل با رویکرد فابل در اشعار پروین اعتصامی و ایلیا ابوماضی»، تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، ۱۱(۴۲)، ۹۳-۱۱۲.
- حافظ، شمس‌الدین، ۱۳۷۴، دیوان، به تصحیح قزوینی و غنی، تهران: اساطیر.
- حبله‌رودی، محمد، ۱۳۹۰، جامع التمثیل، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: معین.
- خاقانی، بدیل، ۱۳۷۳، دیوان، به تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: زوآر.
- خانلری، زهرا، ۱۳۸۴، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: توس.
- داد، سیما، ۱۳۸۳، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- رضوانیان، قدسیه و محمودی‌نوسر، مریم، ۱۳۹۱، «زیبایی‌شناسی تمثیل در شعر پروین اعتصامی»، مجموعه مقالات هفتمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۷، بحر در کوزه، تهران: سخن.
- سرلو، خوان ادواردو، ۱۳۸۹، فرهنگ نمادها، ترجمه مهرانگیز اوحدی، تهران: دستان.
- سعدی، مصلح‌الدین، ۱۳۸۵، کلیات، به تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: زوآر.
- طباطبایی اردکانی، سیدمحمود، ۱۳۷۰، برگزیده متون تفسیری فارسی، تهران: اساطیر.
- عبداللهی، منیژه، ۱۳۹۱، فرهنگنامه جانوران، (۲ جلد)، تهران: پژوهنده.
- عبیدزاکانی، ۱۹۹۹، کلیات، به تصحیح محمد جعفر محجوب، نیویورک: Bibliotheca Persica Press.
- عطار، فریدالدین، ۱۳۹۰، منطق‌الطیر، به تصحیح عابدی و پورنامداریان، تهران: سمت.
- فتوحی، محمود، ۱۳۸۶، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۷۹، شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- قطران تبریزی، ۱۳۶۲، دیوان، از روی نسخه محمد نخجوانی، تهران: ققنوس.
- قلی‌زاده، خسرو، ۱۳۹۲، دانشنامه اساطیری جانوران، تهران: کتاب پارسه.

- کوپر، جی سی، ۱۳۸۶، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
- منشی، نصرالله، ۱۳۷۰، کلیله و دمنه، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران: دانشگاه تهران.
- مولوی، جلال الدین، ۱۳۸۰، مثنوی معنوی (۲ جلد)، به تصحیح قوام الدین خرمشاهی، تهران: دوستان.
- مهاجری امیرکلایی، مریم، ۱۳۹۲، بررسی تمثیل در اشعار پروین اعتصامی و بهار (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- میرصادقی، میمنت، ۱۳۸۵، واژه نامه هنر شاعری، تهران: مهناز.
- نهج البلاغه، ۱۳۸۰، ترجمه محمد دشتی، تهران: پارسایان.
- نیشابوری، ابواسحاق، ۱۳۸۲، قصص الانبیاء، تهران: علمی و فرهنگی.
- وراوینی، سعدالدین، ۱۳۷۶، مرزبان نامه، به تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.